

نامه جامعه
فصلنامه علمی تخصصی معارف اسلامی
سال شانزدهم - شماره ۱۲۸ - زمستان ۱۳۹۷

تحلیل ازدواج رسول خدا ﷺ با خدیجه کبری ؓ بر اساس اخبار تاریخی

فرزانه حکیم زاده^۱

چکیده

خدیجه بنت خویلد بن اسد بن عبد العزی، نخستین همسر رسول خدا ﷺ بود و آن حضرت تا پایان عمر خدیجه ؓ، همسر دیگری اختیار نکرد. هدف اصلی تحقیق حاضر، تبیین علل حقیقی ازدواج رسول خدا ﷺ و خدیجه کبری ؓ است. فقدان تحلیلی قابل قبول درباره علت انتخاب خدیجه از سوی پیامبر در منابع تاریخی و حدیثی و طرح این شبهه از سوی مستشرقان، که رسول خدا به دلیل ثروت سرشار خدیجه، او را برای همسری خود برگزید، ضرورت تحقیق حاضر را برای پاسخ به این شبهه روشن می‌سازد. آشنایی با خصوصیات اخلاقی محمد امین و برتری اخلاقی محمد بر سایر افراد جامعه و آگاهی از برخی اخبار اهل کتاب در رابطه با پیامبری که از نسل عبدالمطلب مبعوث خواهد شد، خدیجه را متوجه شخصیت ویژه رسول خدا ﷺ ساخت. از سوی دیگر، درایت خدیجه و تمایل آن بانوی بزرگ به یک زندگی معنوی، زمینه اشتیاق خدیجه به رسول خدا را فراهم آورد و همین ویژگی‌ها در شخصیت خدیجه، محبت متقابل محمد به خدیجه را به دنبال داشت.

واژگان کلیدی: رسول خدا، خدیجه، تجارت، میسر، ازدواج خدیجه.

مقدمه

خدیجه دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزی، اولین زنی بود که پیامبر قبل از بعثت و در سن بیست و پنج سالگی در شهر مکه با او ازدواج کرد (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۸۳ و ابن حزم، بی تا، ص ۲۶). ازدواج با خدیجه، همانند دیگر ازدواج‌های رسول خدا در مدینه، ازدواجی مصلحتی نبود؛ بلکه پیوندی از سررغبت و انتخاب بود و برای هریک از آن دو، ثمرات و برکات زیادی داشت. پیامبر چندان از همدلی و همراهی خدیجه بهره‌مند شد که محبت او را رزق خویش دانست (مسلم، بی تا، ج ۷، ص ۱۳۳؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۲۶ و صالحی شامی، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۳۲۷). خدیجه از تمامی جهات بر سایر زنان برتری داشت و مردان ثروتمند و برخوردار از موقعیت اجتماعی آن زمان، به طور طبیعی، مشتاق ازدواج با او بودند؛ اما خود او مشتاق ازدواج با رسول خدا بود. طبق نقل مشهور، ابراز علاقه و اشتیاق به وصلت، ابتدا از سوی خدیجه مطرح شد و رسول خدا نیز متقابلاً به خدیجه مشتاق شد (ابن هشام، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۵۴). در مورد موضوع سن خدیجه هنگام ازدواج با پیامبر و فرزندان او از آن حضرت، بین مورخان اختلاف وجود دارد که این نوشتار، مجال طرح این مباحث نیست. سوال اصلی مقاله پیش رو آن است که چه دلایلی باعث شد رسول خدا خدیجه را برای همسری خویش برگزیند؟ در رابطه با پیشینه تحقیق باید گفت که چرایی ازدواج پیامبر با خدیجه، در کتب سیره و تاریخ زندگی پیامبر آمده و این نوشتار، اولین مقاله مستقل در این زمینه است و مقاله یا کتابی که اختصاصاً به این مسأله پرداخته باشد، پیدا نشد و آنچه با عنوان علل ازدواج رسول خدا با خدیجه به دست آمد، به صورت مصاحبه و پاسخ به سوال بود. همچنین برخی از پژوهشگران که کتب و مقالاتی در حکمت تعدد زوجات پیامبر نوشته‌اند، در خلال بحث، مطالبی درباره علت ازدواج رسول خدا با خدیجه ذکر کرده‌اند. یکی از این نوشته‌ها، کتاب «زوجات النبی و آل البیت»، نوشته محمد متولی الشعراوی است که در سال ۱۴۲۶ ق توسط انتشارات مکتبة العصریه بیروت در ۳۹۰ صفحه چاپ شده است.

این کتاب، مطالب مختلفی پیرامون همسران پیامبر و ازدواج پیامبر با آن‌ها را در بردارد. در این کتاب، بحث خاصی درباره حکمت ازدواج رسول خدا با خدیجه آمده است که به موضوع دلیل بیشتر بودن سن خدیجه از پیامبر تمرکز دارد. یکی از مقالات، «کنکاشی در علل تعدد همسران پیامبر»

نوشته مجید ابوالقاسم زاده و مهتری کاظم نژاد است که در شماره ۱۰۸ ماهنامه علمی - تخصصی معرفت چاپ شده است. این مقاله ضمن بیان علل عمومی و اختصاصی ازدواج‌های رسول خدا، به بیان علت ازدواج پیامبر با خدیجه پرداخته است. نویسنده در این مقاله، بیشتر به نقل آرای بزرگان پرداخته و در نتیجه، به مشکل تکرار و عدم استناد علمی دچار شده است، ضمن اینکه اکثر منابع نوشتار، متاخر است. مقاله دیگر، «حکمت چندهمسری در حیات رسول خدا» نوشته نیکو دیالمه است که در شماره ۴ مجله علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، در پاییز ۱۳۹۰ انتشار یافته است. این مقاله از قلمی شیوا و روان برخوردار بوده و در آن، تحلیل‌های منطقی و درستی ارائه شده است. نویسنده در بخش دوم، در یک گفتار و به اختصار، چندهمسری رسول خدا را از منظر روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بررسی کرده است. «چندهمسری در قرآن و سیره پیامبر» مقاله دیگری است که به قلم وحیده حمادی در مجله بینات، شماره ۵۲ در سال ۱۳۸۵ چاپ شده است. نویسنده در این مقاله، ضمن بحث اصلی - یعنی تعدد زوجات از دیدگاه‌های گوناگون - مقام زنان پیامبر در قرآن و انگیزه پیامبر در ازدواج با هریک از همسرانش را بررسی کرده است. این مقاله دچار ضعف ساختاری و نگارشی و عدم انسجام و مساله خروج از بحث است.

آنچه نوشتار حاضر بدان پرداخته، بررسی علل و عواملی است که باعث شد بانوی ثروتمند و ممتاز قریش، به ازدواج با محمد امین راغب شده و متقابلاً محمد با میل و رغبت، به خواستگاری خدیجه برود. نظر به کاستی‌هایی که کتب و مقالات مرتبط با این بحث، از حیث تتبع و تحلیل مبتنی بر نقل معتبر دارند، برای جبران این امر، نوشتار حاضر از منظری جدید تدوین شده است. برای تحلیل چرایی ازدواج محمد و خدیجه، باید به تاریخ، جغرافیا و شرایط اجتماعی این رخداد توجه داشت و با تحلیل گزارش‌های موجود، آنچه را که مورخان بیان نکرده و یا بدان توجه نداشته‌اند، پیدا کرد. در این پژوهش، پس از نقل گزارش‌ها، این رخداد تاریخی در ضمن چند گفتار، بررسی و تحلیل می‌شود. این پژوهش براساس روش تحقیق کیفی و با رویکرد تاریخی انجام یافته و روش تحلیل داده‌های تاریخی نیز حضور و غیاب ذهنی است.

۱. ویژگی‌های شخصی خدیجه قبل و بعد از بعثت

خدیجه بنت خویلد بن اسد (ابن حزم، ۱۴۰۳، ص ۱۲۰)، با رسول خدا خویشاوندی نزدیکی داشت و با سه واسطه در نسب، به قصی بن کلاب، جد چهارم رسول خدا می‌رسید. نام مادر خدیجه، فاطمه دختر زائد، از تیره عامر بن لؤی بود (بلادری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۳). نوفل پدر ورقه و حزام پدر حکیم از اصحاب رسول خدا و عوام پدر زبیر، از سرشناسان قریش، همگی برادران خدیجه بودند (ابن حزم، ۱۴۱۷، ص ۱۲۱ و ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۰۵).

خدیجه پانزده سال پیش از عام الفیل در مکه متولد شد و در زمان خودش، در شمار ثروتمندترین افراد قریش بود (ابن هشام، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۹۹ و ابن سعد، بی تا، ج ۸، ص ۱۱۳). وی دارای درجه‌ای از کمال و پاکی بود که در جاهلیت به او لقب «طاهره» دادند (ابن عبدالبر، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۳۷۹؛ ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۳۴۷؛ بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۳۵۳ و حلبی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۱۹۹). از نفیسه دختر منیه، دوست صمیمی خدیجه نقل شده: «خدیجه بانویی خردمند، دوراندیش و ارجمند بود. از نظر نسب، شرف و ثروت، و سرآمد زنان قریش بود و اشراف و ثرتمندان قریش در آرزوی ازدواج با او بودند و برای این منظور، از او خواستگاری کرده و (حتی) حاضر بودند، مهریه‌ای سنگین بپردازند» (ابن سعد، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۶ و ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۱۰۱). خدیجه در روزگاری زندگی می‌کرد که ادیان الهی دچار تحریف شده و به جای آن، خرافات و فساد اخلاقی جایگزین شده بود. در آن روزگار که به تصریح قرآن، عده‌ای از اعراب از تولد دختر احساس شرم می‌کردند و حقوق فردی - اجتماعی زنان نادیده گرفته می‌شد، خدیجه به موقعیت اجتماعی مهم و صفات اخلاقی برجسته دست پیدا کرد. او زنی اجتماعی بود و در زمینه امور اقتصادی، فعالیت و با مردان تعامل داشت و در عین حال گزارش‌های تاریخی، از طهارت و عفاف بالای ایشان حکایت دارد. با وجود اینکه غلامان و کنیزان زیادی با او در ارتباط بودند، لقب طاهره را از مردم زمان خود گرفت و این مساله، دارای اهمیت زیادی است. او خواستگاران متعددی داشت؛ اما میل و رغبتی به مظاهر مادی و لذت‌های معمول زندگی که در شرایط او برایش سریع‌الحصول بود، نشان نداد و همه خواستگاران سرشناس و ثروتمند را رد کرد. حضرت خدیجه یکی از چهار زن برتر در دنیا و آخرت است (طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۹۵ و ابن کثیر، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۶۰) و خداوند و جبرئیل بر او سلام فرستاده و در زمان حیاتش به او مژده بهشت دادند

(بخاری، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۲۳۰؛ عامری، بی تا، ج ۱، ص ۴۹؛ ابن جوزی، ۱۴۱۸، ص ۲۷۳؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۴۲۰ و ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۱۰۲)؛ اتفاقی که در مورد هیچ یک از زنان پیامبر نیفتاد و خدیجه این موقعیت را با مجاهدت‌ها و فداکاری‌های خالصانه و بدون توقع خویش به دست آورد.

۲. گزارش مورخان از ماجرای ازدواج پیامبر با خدیجه

در مورد علل و چگونگی ازدواج رسول خدا و خدیجه کبری، گزارش‌های متفاوتی در منابع تاریخی آمده است. برخی از آنها (بغدادی، بی تا، ص ۷۸) آمیخته به مطالبی است که مورخان نظیر طبری نیز به جعلی بودن آن مطالب اعتراف دارند. در برخی از گزارش‌ها، پیامبر به عنوان اجیر خدیجه مطرح گردیده و جایگاه پیامبر از منظر اجتماعی نادیده گرفته شده است. در موارد دیگر، از نوشاندن شراب به پدرش برای رضایت گرفتن از او صحبت شده است. این موارد غیر از آنکه چگونگی ماجرا را به تحریف می‌کشاند، علل و چرایی این ازدواج مبارک را به بیراهه می‌برد (طبری، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۲۸۱-۲۸۳). در اینجا از بین گزارش‌ها، خلاصه سه خبر را که اتفاق نظر بیشتری در مورد آنها وجود دارد، ذکر می‌کنیم:

الف) خدیجه بانویی تاجر، باشرافت و ثروتمند بود که مردان را به صورت مضاربه‌ای و با تعیین حق الزحمه از پیش، به کار می‌گرفت. هنگامی که آوازه صداقت، امانت‌داری و حسن خلق پیامبر را شنید، از او خواست تا برای تجارت با اموالش، همراه غلامش، میسر به شام برود؛ در حالی که مزد بیشتری را به محمد پیشنهاد داده بود. محمد امین پذیرفت و پس از ورود به شام، زیر سایه یک درخت در نزدیک صومعه‌ای به استراحت پرداخت. در این حال، راهب صومعه از میسر پرسید: این شخص کیست؟ میسر گفت: مردی قریشی از اهل حرم. راهب گفت: زیر این درخت جز پیامبر نمی‌نشیند. رسول خدا در این سفر، معاملات را با سود کامل انجام داد و به سوی مکه بازگشت؛ در حالی که در طول مسیر، دو ملک بر سرش سایه می‌انداختند. پس از ورود به مکه، میسر، خوش خلقی فراوان پیامبر، سخن راهب و سایه انداختن دو فرشته بر سر محمد را به خدیجه گزارش داد. خدیجه قاصدی را نزد رسول خدا فرستاد و گفت: ای عموزاده! من به خاطر خویشاوندی، امانت‌داری، خوش اخلاقی، راستگویی و مقام ارجمندی که در میان قومت داری، مایل به



ازدواج با تو هستیم. رسول خدا سخنان خدیجه را برای عموهایش بازگو کرد و پس از آن، عمویش حمزه بن عبدالمطلب به همراه وی نزد اسد بن اسد رفت و از او خواستگاری کرد و او را به نکاح محمد درآورد (ابن هشام، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۸۹ و طبری، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۸۰-۲۸۱).^۱

ب) به نقل از عمار یاسر آمده است: من آگاه‌ترین مردم به چگونگی ازدواج خدیجه با رسول خدا هستم؛ زیرا من دوست پیامبر بودم. روزی من و پیامبر میان صفا و مروه، به خدیجه دختر خویلد و خواهرش هاله برخوردیم. هاله پیش من آمد و گفت: آیا دوست تو علاقه‌ای به خدیجه دارد؟ گفتم: به خدا سوگند نمی‌دانم! خود را به پیامبر که از من دور شده بود، رساندم و سخنان هاله را به او بازگفتم. فرمود: «بازگرد و با او روزی را برای خواستگاری قرار بگذار» من چنان کردم. چون آن روز فرا رسید، خدیجه که پدرش مرده بود، به سراغ عمویش عمرو بن اسد فرستاد. محمد نیز به همراه چند تن از عموهایش به خواستگاری خدیجه رفت و در همان جلسه، محمد خدیجه را به نکاح خویش درآورد...» (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۹۵ و کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۳۷۵).

ج) نفیسه دختر منیه یکی از دوستان صمیمی خدیجه آورده است: پس از بازگشت محمد از سفر شام، خدیجه مرا با این پیغام نزد او فرستاد: ای محمد چه چیزی مانع ازدواج توست؟ محمد پاسخ داد: چیزی ندارم که با آن ازدواج کنم. گفتم: اگر من این مسأله را عهده‌داری کنم و تو را به زنی که صاحب مال و جمال و شرف و بزرگی است، دعوت کنم می‌پذیری؟ گفت: او کیست؟ گفتم: خدیجه. گفت: چگونه این امر برای من میسر است؟ گفتم: بر عهده من باشد. و ماچرا را به خدیجه خبر دادم. خدیجه محمد را به منزل خویش دعوت کرد و عمویش عمرو بن اسد را نیز دعوت کرد تا او را به محمد تزویج کند. محمد همراه عموهایش نزد خدیجه آمد و یکی از عموهایش، خدیجه را به عقد او درآورد (ابن سعد، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۵).

۱. در یاورقی جلد اول صفحه ۲۸۱ سیره ابن هشام به نقل از اسحاق آمده است: آنها عرضت علیه نفسها من غیر واسطه و یدهب غیره الی آنها عرضت علیه نفسها بوساطه و ان ذلک کان علی ید نفیسه بنت منیه و الجمع ممکن فقد تکنون بعثت نفیسه اولاً لتعلم ابرضی ام لا؛ فلما علمت بذلک کلمته بنفسها (راجع شرح المواهب اللدنیة) به درستی که حضرت خدیجه علیها السلام خودش پیشنهاد ازدواج را بدون واسطه به پیامبر صلی الله علیه و آله داد و بعضی هم گفته‌اند که پیشنهاد را توسط واسطه‌ای مطرح کرد. واسطه نفیسه دختر منیه بود. جمع دو قول ممکن است به این صورت باشد که اول نفیسه را فرستاد تا از رضایت پیامبر صلی الله علیه و آله به ازدواج با خودش مطمئن شود و وقتی که فهمید، خودش با رسول خدا صلی الله علیه و آله صحبت کرد.

واقعه ازدواج محمد امین و خدیجہ، در متون تاریخی در قالب سه گزارشی که ذکر شد، آمده است. با وجود اختلاف در گزارش‌های مربوط به ازدواج رسول خدا با خدیجہ، در همه این نقل‌ها، گزارش میسرہ از صفات اخلاقی رسول خدا، عامل اصلی ترغیب و تمایل خدیجہ به آن حضرت معرفی شده و این قانع‌کننده نیست. بعضی از منابع به این مطلب تصریح دارند که «آنچه باعث رغبت خدیجہ به محمد شد، حکایت میسرہ از علامات نبوت پیامبر و سخنان بحیرای راهب، هنگام همسفری با او در تجارت شام بود» (طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۰۳؛ ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۹۹ و مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۷). این در حالی است که صحت برخی از مطالب این اخبار، نزد بعضی از پژوهشگران معاصر محل تردید جدی قرار گرفته است (محمدی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۳). از سوی دیگر، هیچ سخنی از علت تمایل پیامبر به ازدواج با خدیجہ به میان نیامده است و گویا تنها دلیل اقدام پیامبر به خواستگاری از خدیجہ، پیغام یا درخواست مستقیم خدیجہ بوده است. با توجه به این مسئله، نمی‌توان پذیرفت که خدیجہ به صفات اخلاقی محمد توجه داشت و به اندازه‌ای به جایگاه اخلاقی محمد اطمینان پیدا کرده بود که برخلاف عرف معمول، خود به پیامبر اظهار تمایل و پیشنهاد وصلت داد؛ اما پیامبر از خصوصیات اخلاقی بانوی برتر قریش، اطلاعی نداشته و تنها به دلیل طرح پیشنهاد از طرف خدیجہ، خیلی زود آن را پذیرفته باشد؛ چیزی که همه گزارش‌ها از آن حکایت دارند. البته در برخی از این گزارش‌ها، مطالب غیر قابل پذیرش دیگری هم وجود دارد؛ اما اشکال اصلی و مشترک همه نقل‌ها آن است که تفکر، اراده و انتخابی برای محمد امین نقل نشده و خدیجہ و عموها برای آن حضرت تصمیم می‌گیرند و او بی‌درنگ اجرا می‌کند. ضروری است که پس از بیان علت تمایل و علاقه خدیجہ به پیامبر، به تبیین چگونگی انتخاب خدیجہ از سوی پیامبر بپردازیم.

۳. تحلیل اشتیاق خدیجہ به همسری پیامبر

طبق بیشتر گزارش‌های تاریخی، خدیجہ به پیامبر پیشنهاد ازدواج داد (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۸۱؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۹۸؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۳؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۹۴ و سهیلی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۳۲). اینکه زنی در موقعیت خدیجہ، خود پیشگام در خواستگاری و ازدواج شود، مسئله قابل تأمل و نوعی سنت شکنی است که می‌توانست، سرزنش و ملامت اطرافیان را در پی داشته باشد؛ اما

هیچ گزارشی وجود ندارد که کسی خدیجه را به خاطر این پیشگامی، نکوهیده باشد. البته برخی از گزارش‌ها حاکی از آن است که زنان اشرافی و ثروتمند قریش، که خدیجه و موقعیت او را به طور طبیعی می‌شناختند، او را به خاطر ازدواج با کسی که از نظر مالی بسیار کمتر از خودش بود، سرزنش کرده و حتی با او قطع رابطه کرده بودند (نیشابوری، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۳۲۹؛ طبری امامی، ۱۴۱۳، ص ۷۷ و صالحی شامی، ۱۴۲۰، ص ۴۵۴). این‌گونه اخبار بیانگر این است که ثروت و موقعیت اجتماعی ناشی از آن، بیشترین اهمیت را در دید مردم مکه در آن زمان داشت؛ زیرا محمد در آن موقع، از نظر جایگاه قبیله‌ای و موقعیت اجتماعی خانواده و نیکویی اخلاق و زیبایی منظر، زبانزد همگان بود؛ اما این امتیازات وقتی با مال و ثروت جمع نمی‌شد، وزن قابل توجهی نداشت. قرآن به صورت اختصاری، برخی از ویژگی‌های جامعه آن روز را نقل می‌کند. برخی از سوره‌های مکی نظیر تکوین و همزه به علاقه فراوان اعراب جاهلی به جمع‌آوری ثروت و تفاخر به اموال و قبیله اشاره دارند. در چنین فضایی، تفاوت نگاه بانویی همچون خدیجه به زندگی و ارزش‌های آن آشکار می‌شود. انتخاب خدیجه از سر تعقل و برخلاف عرف محیط بود. اگر خدیجه چنین ثروتی نداشت، بی‌اعتنایی او به مال و امکانات زندگی و ازدواج با شخصی که از ثروت بی‌بهره بود، خیلی طبیعی‌تر بود. خدیجه، اختیار کامل اموال خویش را به پیامبر واگذار کرد و سبک زندگی خویش را بر اساس خواست محمد و در راستای تقویت رسالت آن حضرت تغییر داد. وقتی خدیجه در جلسه خواستگاری ملاحظه کرد عمویش ورقه بن نوفل از عهده پاسخ‌گویی سخنان ابوطالب بر نمی‌آید، بی‌درنگ گفت:

عموجان! ممکن است در بین مردم نسبت به من سزاوارتر باشی، ولی نسبت به من از خود من برتری نداری (و در این مورد من سزاوارترم). ای محمد! من خودم را به ازدواج تو درآوردم، و مهر هم بر عهده من و در مال من است. به عمویت بگو شتری نحر کند و بر اهلت وارد شو. ابوطالب گفت: شاهد باشید که خدیجه محمد را قبول کرد و مهریه را نیز از مال خویش ضامن شد. بعضی از مردان قریش گفتند: این چیز عجیبی است که مهریه بر عهده زنان باشد. در این هنگام، ابوطالب دچار خشم شدیدی شد و بر دو زانوی خویش نشست (و او کسی بود که مردان از هیبتش هراس داشتند و از غضبش بیمناک می‌شدند) و گفت: اگر مردان، همچون برادرزاده

من باشند، با سنگین‌ترین بها و بزرگ‌ترین مهریه طلب می‌شوند و اگر افرادی مانند شما باشند، نمی‌توانند جز با پرداخت مهر روزافزون ازدواج کنند (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۳۷۵ و اربلی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۵۰۹-۵۱۰).

برای تحلیل چرایی تمایل و رغبت فراوان خدیجه به محمد امین، باید به اخبار زمان جاهلیت درباره رسول خدا و بعثت آن حضرت توجه کرد. دقت در گزارش‌های مختلف، این نکته را روشن می‌سازد که قبل از بعثت پیامبر، مردم حجاز (مکه و مدینه) منتظر آخرین پیامبر بودند و علائم نبوت پیامبر خاتم را از اهل کتاب شنیده بودند. در گزارشی آمده است که یک روز عید، زنان قریش در مسجد الحرام گرد هم جمع شده بودند. مردی یهودی در برابر آنها ایستاد و گفت: به زودی در میان شما پیامبری مبعوث خواهد شد، پس هر یک از شما زنان که بتواند همسر او باشد، حتما این کار را بکند. زنان قریش در برابر گستاخی مرد یهودی، او را با سنگریزه از خود راندند. تنها خدیجه از بین آنان با سکوت به تأمل در گفتار مرد یهودی پرداخت و بارقه‌ای از امید در دلش راه یافت (خرگوشی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۴۱۵ و ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۷۴). این گزارش حتی اگر ساختگی هم باشد، از گفتمانی در آستانه بعثت پیامبر حکایت دارد. گفتگو از پیامبری جدید که در مکه ظهور می‌کرد و از قریش بود و خدیجه به دلیل تعاملات فراوان اجتماعی، بیشتر از هر کسی در جریان اخبار مهم قرار می‌گرفت. از دیگر سو، سرشناس بودن ابوطالب و افراد خانواده اش و آنچه از طریق ورقه بن نوفل به اطلاع خدیجه رسیده بود، زمینه‌ای را فراهم کرده بود که خدیجه، اطلاعات قابل توجهی از ویژگی‌های محمد امین به دست آورده و به دلیل خردمندی و علاقه فراوانی که به فضایل و کمالات انسانی داشت، مشتاق ازدواج با محمد شود. سرانجام رفت و آمدهای محمد به خانه خدیجه برای تجارت و شهرت حضرت به امانت‌داری و گزارش‌های متعدد از اخلاق و رفتار رسول خدا، تمایل خدیجه نسبت به پیامبر را افزون ساخت و باعث شد تا با عمومی خود، ورقه بن نوفل در مورد حضرت گفتگو کند و خواستگاری از او را با وی در میان گذارد.

با توجه به این مطالب، برخلاف اکثر گزارش‌ها که در آنها پیشنهاد ازدواج به محمد بعد از شنیدن گزارش میسره مطرح شده و این باور را ایجاد کرده که فکر ازدواج در خدیجه به خاطر این گزارش بود، می‌توان گفت که این فکر، از قبل در نظر خدیجه بود. او زنی است که در اخبار متعدد



به خردمندی، دوران‌اندیشی و درایت توصیف شده و مؤید این ادعا، نحوه سلوک او در زندگی است. بانویی که توانست با درایت و تدبیر، موفق‌ترین تاجر زمان خود باشد و در شرایطی که زنان در انتخاب شریک زندگی، سهم و حقی نداشتند و فقط انتخاب می‌شدند، او حق انتخاب را به طور کامل به دست آورد. مهم‌تر آن که پیش‌قدمی در ازدواج از سوی خدیجه، با وجود اینکه برخلاف عرف رایج بود، اما پذیرفته شد. واقعیت این است که ازدواج با محمد امین به اندازه‌ای برای خدیجه اهمیت داشت که همه سعادت و خوشبختی را در همسری محمد می‌دانست و عزمی استوار و جدی برای ازدواج با محمد داشت. جدیت او، عشق وی نسبت به رسول خدا را می‌رساند؛ عشق به همه خوبی‌ها و در یک کلام، عشق به خدا.

۴. تحلیل علت رغبت پیامبر به ازدواج با خدیجه

محبت و علاقه خدیجه به محمد امین، یک طرفه نبود و این واقعیت را ابوطالب در هنگام خواستگاری چنین بیان کرد: خدیجه به محمد، راغب و محمد نیز به خدیجه رغبت دارد (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۳۷۴ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۱۴). در حقیقت، همان‌گونه که خدیجه نسبت به رسول خدا شناخت و علاقه پیدا کرده بود، رسول خدا نیز به دلیل ویژگی‌های خاص خدیجه، به او علاقه مند بود و او را شایسته همسری خود می‌دانست. عفت و پاکی، خردمندی، توجه به ایتم و مساکین و حسب و نسب برگزیده‌ای که خدیجه به آن ممتاز بود، ویژگی‌هایی بود که می‌توانست مهر خدیجه را در دل مردی مانند محمد قرار دهد. بانویی برخوردار از جمال و کمال و صفا و وفا که وجود عظیم پیامبر در کنارش به آرامش می‌رسید. مهر فراوانی که تا پایان زندگی پیامبر و پس از فقدان خدیجه نیز باقی ماند. پس از فوت خدیجه نیز رسول خدا او را ستایش می‌کرد و بر سایر همسران خود برتری می‌داد و در بزرگداشت و تکریم او تلاش زیادی می‌کرد؛ به‌گونه‌ای که هیچ‌گاه دیده نشد زنی را همتای خدیجه قرار دهد (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۷، ص ۱۰۷؛ ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۱۱ و قلقشندی، ۱۴۲۷، ص ۲۶).

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان تا حدودی به حقیقت رغبت و تمایل محمد به خدیجه پی برد. از سوی دیگر، محمد کسی بود که وقتی در دوران کودکی، دایه او، حلیمه سعدیه گردن بندی

از مهره‌های معمولی به گردنش انداخت، علت آن را پرسید و وقتی حلیمه به او گفت که این گردن بند، تو را از شر حسودان و بلاها حفظ می‌کند، پاسخ داد: مرا به این مهره‌ها نیازی نیست، من خدایی دارم که حافظ من است و آن را از گردن درآورد. نمی‌توان پذیرفت که محمد در سن ۲۵ سالگی و در حالی که برای امر خطیر رسالت آماده می‌شد، نخستین شریک زندگی را بدون تأمل و شناخت دقیق و تنها به دلیل پیشنهاد ازدواج از طرف کسی انتخاب کند؛ زیرا او به تفکر و تعقل، مشهور و دقت در هر امری حتی جزئی، در شمار صفات اصلیش بود. اینکه محمد با هوش سرشار و زیرکی فراوانی که داشت، در آن محیط کوچک، از صفات و ویژگی‌های خدیجه بی‌خبر باشد، امر بعیدی است. در حقیقت، خدیجه همان بانوی برگزیده‌ای بود که مردی همچون محمد، که خود یگانه روزگار خویش بود، می‌توانست به او دل بسته و او را برای مصاحبت و همسری خودش مناسب بداند. تجانس و تقارب روحی محمد و خدیجه در طول زندگی زناشویی و انس و آرامشی که هر یک در کنار دیگری بدان دست یافتند، نشان‌دهنده صحت این انتخاب است؛ در حالی که اموری همچون ثروت و یا موقعیت اجتماعی و یا زیبایی ظاهری در ازدواج، نمی‌تواند این‌گونه انس و الفت و آرامش را به همسران هدیه کند. از سوی دیگر، با علم به بی‌اعتنایی خدیجه به ثروت و قدرت، نمی‌توان پذیرفت که نگاه پیامبر به ثروت خدیجه باشد. سلوک زاهدانه رسول خدا در طول زندگی نشان داد که ثروت و برخورداری را برای خویش نمی‌خواست (ابن سعد، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴۲ و ص ۲۷۱-۲۷۸). او هیچ‌گاه به دنبال لذت‌های زودگذر نرفت و در عین حال، بخشش مداوم به نیازمندان و مسلمانان در ۱۳ سال اول بعثت، گواه این است که محمد، دیگران را در استفاده از هر امکانی بر خویش ترجیح می‌داد (حکیم زاده، ۱۳۹۳، ص ۸۰-۸۵) و مصداق این آیه شریفه بود: ﴿وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾ (حشر: ۹).

صفا و وفای خدیجه نسبت به رسول خدا در تمام زندگی ادامه داشت و عشق متقابل رسول خدا به خدیجه تا پایان عمر شریفش، پابرجا ماند.

۵. تحلیل حکمت ازدواج پیامبر با خدیجه کبری

در پاسخ به این سؤال که «حکمت ازدواج پیامبر با خدیجه، که طبق نقل مشهور ۱۵ سال از خودش بزرگ‌تر بود، به عنوان اولین همسر چه بود؟» باید گفت رسول خدا گرچه از نظر حسن خلق و معاشرت، برترین انسان‌ها بود؛ اما به دلیل مسئولیت سنگینی که بر عهده‌اش بود، زندگی سخت و طاقت‌فرسایی داشت. بنابراین اگر به جای خدیجه که در سن ۴۰ سالگی و در کمال عقل، دانایی، صفا و وفا بود، با کسی که چنین اوصافی را نداشت، ازدواج می‌کرد، آن زن نمی‌توانست شرایط و رفتار رسول خدا را درک کند. رسول خدا مردی بود که در هر سال، یک ماه به طور کامل از همسرش کناره می‌گرفت و در غار حراء به عبادت می‌پرداخت و در مواقع دیگر نیز ساعت‌ها مشغول تفکر و عبادت می‌شد. مردی که اهل روابط و تفریح و رفت و آمدهای معمولی انسان‌ها نبود و خود را برای مسئولیتی سنگین آماده می‌کرد. خدیجه بانویی بود که با شناخت کامل از خصوصیات اخلاقی پیامبر و به دلیل همان ویژگی‌ها، به پیامبر دل بسته شد و با اطلاع از وضعیت مالی حضرت، که مانعی برای طرح پیشنهاد ازدواج به چنین زن ثروتمندی بود، خود پیشقدم شد تا پیامبر، هیچ مشکلی برای ازدواج با او نداشته باشد. خدیجه تنها زنی بود که می‌توانست تا حدی عظمت وجود پیامبر را درک کند و به جای این‌که با توقعات زنان معمولی، پیامبر را به خود مشغول سازد، با محبت و

۱. ر.ک: طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۸۰ (به نقل از کلبی)؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۵؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۸۷؛ همو، التنبيه والاشراف، ص ۱۹۹-۲۰۰؛ سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۳۰۴؛ شیخ مفید، مسار الشیعه (المجموعه)، ص ۲۸؛ ابن اثیر، اسدالغابه، ج ۵، ص ۴۳۴ و ابن حجر عسقلانی، اصابة، ص ۲۸۱. بعضی از منابع تصریح کرده‌اند که رسول خدا ﷺ با هیچ باکره‌ای غیر از عایشه ازدواج نکرد که این ادعا، ۴۰ ساله بودن خدیجه هنگام ازدواج را تأیید می‌کند: نک: طوسی، المبسوط، ج ۴، ص ۲۶۹؛ قاضی نعمان مغربی، شرح الاخبار، ج ۱، ص ۱۸۲ (در پاورقی ص ۱۸۲ ازدواج خدیجه با ۲ نفر قبل از پیامبر، قول معروف، معرفی شده است)؛ همو، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۵؛ کاشف الغطاء، کشف الغطاء، ج ۱، ص ۵؛ مرورید، بنایع الفقهیه، ج ۳۸، ص ۲۴۷؛ بعضی از منابع، خبر ازدواج خدیجه قبل از پیامبر ﷺ را نقل کرده‌اند: ابوحاتم عاملی، الدر النظیم، ص ۱۸۵ و حلبی، السیره الحلبیه، ج ۳، ص ۳۹۹.

برای اطلاع کامل و دقیق از مجموعه اخبار وارده در این زمینه و تحلیل دقیق آن می‌توان به کتاب ارزشمند الموسوعة التاريخ الاسلامی که نام ترجمه آن، تاریخ تحلیلی اسلام نوشته مورخ معاصر استاد محمد هادی یوسفی غروی است، مراجعه کرد: ج ۱، ص ۲۸۰-۲۸۴. در عین حال، بعضی از منابع متقدم و متأخر، بر دوشیزه بودن خدیجه هنگام ازدواج تأکید دارند: ابوالقاسم کوفی، الاستغاثه، ج ۱، ص ۷۰؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۹۸ و ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۳۷ و از معاصران: جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۲، ص ۱۲۳.

صمیمیتی بی نظیر کمک کار او شود^۱ (اسدالغابه، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۴۲) و همیشه حامی و پشتیبان آن حضرت باشد. این کلام رسول خدا بیانگر صفات برجسته و عظمت مقام خدیجه است که فرمود: «مهر خدیجه روزی من شد».

یکی از مورخان، درباره حکمت ازدواج پیامبر با خدیجه مطالب مهمی دارد که خلاصه آن چنین است:

خداوند سبحان برای همسری رسول خود، خدیجه را برگزید در حالی که پیامبر ۲۵ و خدیجه ۴۰ سال داشت و مردان به طور معمول دوست دارند با زنان کم سن تر از خود ازدواج کنند. علت این گزینش آن بود که خدیجه باعث آرامش رسول خدا در دوران فترتی باشد که در آن، از بشری عادی به بشری که وحی را از خداوند می گیرد، منتقل می شد. در این شرایط، پیامبر به قلبی آگاه نیاز داشت که این جایگاه مهم را با استفاده از تجربیات سالیان طولانی و رشد عقلی ناشی از این تجربیات درک کند و اگر خدیجه، دختری کم سن و سال و بازی گوش بود، همان روز اولی که پیامبر از غار برگشت، فرار می کرد و با به او اتهامات گوناگونی وارد می کرد؛ زیرا عقل او قادر به درک تجربه عظیم انتقال اشرف مخلوقات از بشری عادی به همنشین ملائکه و حامل وحی الهی نبود؛ در حالی که خدیجه بعد از شنیدن سخنان رسول خدا، با بهترین جملات و عبارات، آن حضرت را تصدیق کرد. لازمه این تصدیق نیکو، داشتن قلبی مهربان به رسول خدا و رشد عقلی و فکری صیقل یافته در طول زمان است که به او توانایی انتخابی را می دهد که از سبک سری و شکنندگی دختران جوان که حوادث، آن ها را تکان می دهد، به دور است (شعراوی، ۱۴۲۶، ص ۱۲۴-۱۲۵).

نتیجه گیری

در زمانی که ملاک انتخاب همسر، برخورداری از ثروت و موقعیت قبیله ای و اجتماعی بود، خدیجه، بانوی ممتاز و سرشناس قریش، به محمد امین پیشنهاد همسری داد. استقبال مشتاقانه محمد از این پیشنهاد، نشان می داد که محمد نیز خدیجه با عظمت و مهربان را برای همسری

۱. «وَ كَانَتْ خَدِيجَةَ وَزِيرَةً صَدَقِي عَلَى الْإِسْلَامِ كَمَا نَسَكْتُ إِلَيْهَا»

برگزیده بود. تجانس روحی محمد و خدیجه، علت انتخاب دوطرفه این زوج را تحلیل و دخالت انگیزه‌های مادی را در هر دو طرف نفی می‌کند.

ازدواج با محمد امین به اندازه‌ای برای خدیجه اهمیت داشت که همه سعادت و خوشبختی را در همسری محمد می‌دانست. خدیجه همان بانوی برگزیده‌ای بود که مردی همچون محمد، که خود یگانه روزگار خویش بود، می‌توانست به او دل بسته و او را برای مصاحبت و همسری خودش مناسب بداند. تجانس و تقارب روحی محمد و خدیجه در طول زندگی زناشویی و انس و آرامشی که هر یک در کنار دیگری بدان دست یافتند، نشان دهنده صحت این انتخاب است. همچنین خدیجه تنها زنی بود که می‌توانست تا حدی عظمت وجود پیامبر را درک کند و به جای این که با توقعات زنان معمولی، پیامبر را به خود مشغول سازد، با محبت و صمیمیتی بی‌نظیر، کمک‌کار او شد و همیشه حامی و پشتیبان آن حضرت بود. از این رو پیامبر خدا طعم شیرین محبت‌های خدیجه را هرگز فراموش نکرد و تا پایان عمر، قلبش از مهر خدیجه سرشار بود. مصاحبت عاشقانه و صفا و وفای این زوج برگزیده نسبت به یکدیگر، برای همسران، کلاس درسی همیشگی است.

منابع الف. كتابها

قرآن كريم

١. ابن اثير، علي بن محمد، ١٤٠٩ق، اسد الغابه في معرفة الصحابه، بيروت: دار الفكر.
٢. ابن جوزي، عبدالرحمن بن علي، ١٤١٨ق، تذكره الخواص، قم: منشورات الشريف الرضي.
٣. ابن حجر، ١٤١٥ق، الاصابه، تحقيق عادل احمد عبدالموجود وديكران، بيروت: دار الكتب العلمية.
٤. ابن سيدالناس، ١٤١٤ق، عيون الاثر، تعليق ابراهيم محمد رمضان، بيروت: دار القلم.
٥. ابن عبدالبر، ١٤٢٢ق، الاستيعاب، تحقيق علي معوض وديكران، بيروت: دار الكتب العلمية.
٦. ابن كثير، اسماعيل، ١٤٠٨ق، البدايه والنهايه، تحقيق علي شيري، بيروت: دار احياء التراث العربي.
٧. ابن حزم، علي بن احمد، ١٤٠٣ق، جمهرة انساب العرب، تحقيق لجنة من العلماء، بيروت: دار الكتب العلمية.
٨. _____، بي تا، جوامع السيره النبويه، بيروت: دار الكتب العلمية.
٩. ابن سعد، محمد، بي تا، طبقات الكبرى، بيروت: دار الصادر.
١٠. ابن هشام، عبدالملك بن هشام، ١٣٨٣ق، سيرة النبوية، محمد محي الدين عبدالحميد، قاهره: مكتبة محمد علي صبيح واولاده.
١١. اربلي، علي بن عيسى، ١٤٠٥ق، كشف الغمّه في معرفة الائمّه، بيروت: دار الاضواء.
١٢. بخاري، محمد بن اسماعيل، ١٤٠١ق، صحيح البخاري، بيروت: دار الفكر.
١٣. بغدادى، محمد بن حبيب، بي تا، المحبر، تحقيق ايلييه ليختن شتيتز، بيروت: دار الآفاق الجديد.
١٤. بكرى، احمد بن عبدالله، بي تا، الانوار و مفتاح السرور و الافكار في مولد النبي المختار، قم: نشر رضى.
١٥. بلاذرى، احمد بن يحيى، ١٤١٧ق، انساب الاشراف، تحقيق سهيل زكار و رياض زركلى، بيروت: دار الفكر.
١٦. بيهقى، ابوبكر، بي تا، سنن الكبرى، بيروت: دار الفكر.
١٧. _____، ١٤٠٥ق، دلائل النبوه، بيروت: دار الكتب العلمية.
١٨. حكيم زاده، فرزانه، ١٣٩٣ش، سبک زندگى رسول خدا ﷺ با همسرانش، قم: انتشارات جامعه الزهراء ﷺ.
١٩. حلبى، ابوالفرج، ١٤٠٠ق، السيرة الحلبية، بيروت: دار احياء التراث العربى.
٢٠. خرگوشى نيشابورى، ابوسعيد واعظ، ١٣٦١ش، شرف النبي، تحقيق محمد روشن، تهران: بابک.
٢١. ديار بكرى، حسين، بي تا، تاريخ الخميس، بيروت: دار صادر.
٢٢. ذهبى، محمد بن احمد، ١٤١٣ق، سير اعلام النبلاء، تحقيق شعيب الارنؤوط و حسين الاسد، بيروت: مؤسسه الرساله.
٢٣. سهيلي، عبدالرحمن، ١٤١٣ق، الروض الانف في تفسير السيره النبويه لابن هشام، بيروت: دار احياء التراث العربى.
٢٤. شامى، يوسف بن حاتم، ١٤٢٠ق، الدر المنظّم في مناقب ائمه اللهمم، قم: جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٢٥. صالحى شامى، محمد بن يوسف، ١٤١٤ق، سبل الهدى والرشاد فى سيره خير العباد، تصحيح عادل احمد عبدالموجود، بيروت: دار الكتب العلمية.

۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۷ق، اعلام الوری، قم: آل البيت.
۲۷. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۰۳ق، دلائل الامامه، قم: مؤسسه البعثه.
۲۸. _____، ۱۴۰۳ق، تاریخ الامم والملوک، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۹. عامری، یحیی بن ابی بکر، بی تا، بهجه المحافل، بیروت: دار الصادر.
۳۰. فتال نیشابوری، ۱۴۲۳ق، روضه الواعظین و بصیره المتعلمین، قم: دلیل ما.
۳۱. قلقشندی، محمد بن عبدالله، ۱۴۲۷ق، اتحاف السایل، تهران: المجمع العالی للتقريب بين المذاهب الاسلاميه.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۳ش، کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، بی جا: دار الکتب الاسلامیه.
۳۳. متولی الشعراوی، ۱۴۲۶ق، زوجات النبی ﷺ و آل البيت، بیروت: انتشارات مکتبه العصریه.
۳۴. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه وفا.
۳۵. محمدی، رمضان، ۱۳۸۷ش، نقد و بررسی گزارش های زندگانی پیش از بعثت پیامبر ﷺ، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۶. مسعودی، علی بن حسین، ۱۴۰۹ق، مروج الذهب و معادن الجوهر، تحقیق اسعد داغر، قم: دار الهمجره.
۳۷. مسلم نیشابوری، بی تا، صحیح مسلم، بیروت: دار الفکر.
۳۸. مقریزی، احمد بن علی، ۱۴۲۰ق، امتاع الاسماع، بی جا: دار الکتب العلمیه.
۳۹. نویری، ۱۴۳۲ق، نهاییه الارب فی فنون الأرب، قاهره: دار الکتب و الوثائق القومیه.
۴۰. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، بی تا، تاریخ یعقوبی، قم: مؤسسه نشر فرهنگ اهل بیت.

ب. مقاله ها

۱. ابوالقاسم زاده، مجید و کاظم نژاد، مهری، ۱۳۸۸ش، کنکاشی در علل تعدد همسران پیامبر ﷺ، ماهنامه معرفت، ش ۱۰۸.
۲. حمامی، وحیده، ۱۳۸۵ش، «چند همسری در قرآن و سیره پیامبر ﷺ»، بینات، ش ۵۲.
۳. دیالمه، نیکو، پاییز ۱۳۹۰، «حکمت چند همسری در حیات رسول خدا ﷺ»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی (علمی - پژوهشی)، ش ۴.